

## احمدو کوروما ، استعمار و استقلال

محمود گودرزی

دانشجوی کارشناسی ارشد ترجمه زبان فرانسه دانشگاه تهران

e-mail: mahmudgudarzi@yahoo.com

### چکیده

استعمار، تنها به غارت دارایی‌ها و نعمتهای آفریقا و یغمای منابع سرشار این قاره پهناور اکتفا نکرد و با خدمت گرفتن سیاهان در مزارع و ارتش، نهایت بهره را از نیروی انسانی آن برد. جور و ستم زالوصفتان سفیدپوست همچون داغی بر دل مردم رنج کشیده آفریقا به یادگار مانده است. چگونه می‌توان درد اجداد و نیاکان خود را از یاد برد؟ آتش کینه و حقد گذشته را با کدام آب می‌توان خاموش کرد؟

احمدو کوروما (Ahmadou Kourouma) نویسنده ساحل عاجی، ذلت و خواری پدران خود را فراموش نکرده است. او در رمان سیاسی انتقادی خود *منه، تحقیر و تحریک (Monné, outrages et défis)* داستان ورود استعمار و پی آمدهای آن را نقل می‌کند. سالها بعد از انتشار این رمان، کوروما ادامه ماجرای مصائب کشورهای آفریقایی را در کتاب دیگری به نام *در انتظار رأی حیوانات وحشی (En attendant le vote des bêtes sauvages)* حکایت می‌کند. این بار هدف انتقادهای گزنده او دیکتاتورهای آفریقایی و حکومتهای خونریز آنها می‌باشند. احمدو کوروما زشت‌ترین صحنه‌های تاریخ بشر را با زبانی طنز آمیز و شاد به تصویر می‌کشد و بی‌پروا، پرده از جنایات استعمارگران و دست نشاندهان آنها بر می‌دارد. خامه قدرتمند و سبک منحصر به فرد این نویسنده مستعد، حربه او برای مبارزه و ارشاد و افشاگری است.

در این مقاله به بررسی دو دوره عمده در تاریخ کشورهای آفریقایی سیاه یعنی دوران استعمار و دوران استقلال یا استعمار نو از نگاه انتقادی احمدو کوروما می‌پردازیم.

**واژه‌های کلیدی:** استعمار، استعمار نو، سلطه سفیدپوستان، استبداد، ظلم.

مقدمه

احمدو کوروما (۱۹۲۷-۲۰۰۳) در ساحل عاج دیده به جهان گشود. او از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ در خدمت ارتش فرانسه بود و در جنگ هندوچین شرکت کرد. کوروما پس از استقلال کشورش در سال ۱۹۶۰ به وطن خود بازگشت، اما به علت مخالفت با دولت "بوانی" به زندان افتاد. وی پس از زندان سالهای زیادی را در تبعید و در کشورهایی مانند الجزایر، کامرون و توگو به سر برد. احمدو کوروما حرفه ادبی خود را با انتشار *زیر آفتاب استقلال*<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۰ آغاز کرد. دیگر آثار او عبارتند از:

مونه، تحقیر و تحریک ۱۹۹۰

در انتظار رأی حیوانات وحشی ۱۹۹۴

خدا مجبور نیست<sup>۲</sup> ۲۰۰۰

و رمان ناتمام وقتی نمی‌خواهیم می‌گوییم نه<sup>۳</sup> ۲۰۰۴

بحث و بررسی

نمی‌توان احمدو کوروما را در گروه خاصی گنجانند. او رمان نویسی است فارغ از هم و غم برخی از رمان نویسان. نه حرص نان دارد و نه ترس از جان. حاصل سی سال نویسندگی او تنها پنج رمان است. نویسندگانی که حرفه و کسب آنها قلم فرسایی است دست کم دو سال یک بار با نوشتن و چاپ یک اثر، خوانندگان پر و پا قرص خود را خشنود نگه می‌دارند. دشوار می‌توان باور کرد که این جماعت هر سال در سوز و گداز عاشقی به سر می‌برند و هر روز به کشف حقایق بشری دست می‌زنند. کوروما آمیزه‌ای است از رمان نویس، مورخ و روزنامه‌نگار. البته باید به این معجون، دلسوختگی، سرخوردگی، حسرت، کینه و حق طلبی را نیز افزود. رمانهای او تاریخ ملت آفریقا را از زمان استعمار تا عصر حاضر یعنی پس از استقلال به تصویر می‌کشند. نگاه نویسنده به این تاریخ نگاهی است انتقادی و در عین حال

1- *Sous les soleils des indépendances*

2- *Allah n'est pas obligé*

3- *Quand on refuse on dit non*

دلسوزانه. نگاه او به آفریقا، به زادبوم خود، ریشه در فرهنگ دورگه‌ای دارد که حاصل تجربیات مختلف نویسنده در آفریقا و اروپا است. او دو نوع زندگی را چشیده و با دو گونه طرز فکر آشنا شده است: زندگی پیشتاز غربی و زندگی بدوی آفریقایی.

پیش از کوروما نیز تاریخ، عرصه جولان داستان سرایان بزرگی بوده است. برخی از نویسندگان با قرار دادن شخصیت‌های داستان خود در زمان و عصری دیگر جذابیت خاصی به داستان خود داده، آن را در نظر خوانندگان، راست و حقیقی جلوه گر می‌کنند. دسته‌ای دیگر، تاریخ را داستان وار حکایت می‌کنند. هدف ایشان اغلب آشنا کردن خواننده با برهه‌ای از تاریخ است. کوروما آگاهانه نگاه مخاطب خود را متوجه گذشته می‌کند؛ گذشته‌ای که غبار نسیان بر آن نشسته است. نویسنده با زدودن زنگار فراموشی و روفتن خاکستر سرد آتشی کهن، هدف خاصی را می‌جوید: بیداری مردم. کوروما مانند "بنیامین" الاغ مزرعه حیوانات<sup>۱</sup> وجدان بیدار این ملت خفته است. راستی که مردمان چه فراموشکارند! تاریخ برای هم میهنان و همکیشان بی‌خبر کوروما نه "درس عبرت" است و نه "کتاب نصیحت". حال آنکه طعم تلخ استعمار همچنان مذاق این نویسنده هوشیار را آزار می‌دهد. چگونه می‌توان از یاد برد؟ شاید کوروما از کار در مزارع و راه آهن اجدادش خاطره‌ای به یاد نداشته باشد. اهمیتی ندارد. تنها اطلاع از این موضوع کافی است. کوروما نه سیاستمدار است و نه نظامی. او ادیب است. احساسات شاعرانه و طبع حساس دارد. قلم به دست می‌گیرد و رمان می‌نویسد: مونه، تحقیر و تحریک<sup>۲</sup>. "جیگی" قهرمان داستان، پادشاه مسلمان کشوری خیالی در دل آفریقا است. حمله ترسایان به این خطه، آسایش ساکنان آن را بر هم می‌زند. جیگی با شنیدن خبر هجوم آن قبیله کافرکیش مصمم می‌شود که از کشور و حیثیت خود دفاع کند. اما نیرنگ مترجم بومی قشون فرانسوی نقشه‌های او را نقش بر آب کرده، باعث می‌شود که جیگی و سربازانش تسلیم شوند و کشور را بدون هیچ مقاومتی به دست اجانب بدهند. جیگی مردی است سخت با ایمان، شجاع دل و از جان گذشته. با این حال، تحقیر

۱- نوشته جرج اورول نویسنده انگلیسی

۲- مونه واژه‌ای است آفریقایی که بنا به گفته نویسنده در آغاز کتاب، به تنهایی معانی مختلفی دارد و برابر چندین واژه فرانسوی از جمله "تحقیر" و "تحریک" است.

بیگانه را به جان می‌خورد و در برابر تحریک او واکنشی نشان نمی‌دهد. مونه، تحقیر و تحریک حدیث زمامدار سست عنصری است که در برابر وعده واهی بیگانگان نسبت به ساخت و راه اندازی خط آهن در آن منطقه، رعایا و خدمتگزاران خود را روانه مزارع و میادین نبرد فرانسویان می‌کند. کوروما واقعیت ورود استعمار یعنی نقطه آغازین مشکلات و مصائب آفریقاییان را به زیبایی ترسیم می‌کند.

رمان بعدی کوروما در *انتظار رأی حیوانات وحشی* شاهد دیگری است بر هوشیاری او نسبت به تاریخ. اگر چه استعمار دردی مهلک و سمی مرگ بار برای جوامع جهان سوم به شمار می‌رفت و آزادی، درمان همه دردهای این مردم جلوه می‌نمود، اما استقلال کشورهای مستعمره و رهایی از سلطه بیگانه، مردمان را در ورطه‌ای عمیق‌تر و دهشتبار از گذشته افکند: دیکتاتوری‌های پس از استقلال. قدرتهای استعماری هنگامی که متوجه شدند که استعمار به شکل سنتی خود دیگر نمی‌تواند ادامه حیات دهد و فریاد آزادی خواهی ملت‌ها بر خاسته است، چاره‌ای جز آن ندیدند که با گماشتن حکومت‌های وابسته منافع خود را تأمین کنند. اعطای استقلال به این کشورها - که اکنون هزینه ساز شده بودند - از اواسط قرن بیستم شروع شد. شاید بسیاری از آن مردم ستم دیده و بردگی کشیده خیال خام آزادی و کامیابی و سعادت را در ذهن می‌پروراندند، غافل از اینکه حرامی و عیار هرگز بر جان کاروانی بی‌بلد و کم تجربه رحم نخواهد کرد. جهل، بی‌سوادی و سطحی نگری این جماعت که خود تیشه به ریشه خود زده‌اند حد و مرزی ندارد. کوروما به خوبی این نکته را دریافته است که تنها راه گریز، آگاهی و بیداری و دانش است. برای همین تبر به دست گرفته، به ریشه درخت ستبر خرافات، جادوگری و اعتقادات واهی ضربه می‌زند. در *انتظار رأی حیوانات وحشی* حکایت دولتمرد مستبد و خونخواری است که بارها به مدد جادوگری از چنگال مرگ می‌گریزد. سرنوشت کویاگا، قصه واقعی زندگی یک رئیس جمهور است.<sup>۱</sup>

۱- اتین ایادما رییس جمهور توگو از سال ۱۹۶۷ تا هنگام مرگش در سال ۲۰۰۵ از چندین سوء قصد و مرگ حتمی جان سالم به دربرد. مردم علت قدرت او را در جادوی مادرش و قرآن و سنگ آسمانی او می‌دانستند. در این رمان کوروما علاوه بر ایادما از دیکتاتورهای همجوار و همفکر دیگر او نیز انتقاد کرده است، از جمله: بوانیه (مردی با نشان تمساح) بوکاسا (مردی با نشان کفتار) سه سه سکو (مردی با نشان پلنگ) سکو توره (مردی با نشان خرگوش) و حسن دوم (مردی با نشان شغال).

رییس جمهوری که با کودتا و ترور و کشتار به حکومت می‌رسد و تا پایان عمر یعنی بیش از سی سال همچنان رییس جمهور منتخب باقی می‌ماند. کویوگا علی رغم شباهتهایی که با دیگر دیکتاتورهای واقعی و یا داستانی دارد، شخصیتی است احترام برانگیز و مقتدر.

اما کوروما قصد داستان پردازی و قهرمان سازی ندارد. سرنوشت اغلب این شخصیتها موهوم و نا تمام می‌ماند: **کویوگا** یک بار دیگر به مدد جادو و افسون از چنگال مرگ می‌گریزد و حیوانات وحشی جنگلها را به رأی دادن و انتخاب خود فرا می‌خواند؛ **ابراهیم** قهرمان " خدا مجبور نیست " سرباز بچه‌ای است که پس از جنگهای قبيله‌ای و کش و قوس‌های بسیار و ماجراهای بی‌شمار به زادگاه خود برمی‌گردد؛ **جیگی** - حاکم بی‌کفایت شهر سبا- در برابر واقعیتی بازگشت ناپذیر تسلیم می‌شود.

اما ویژگی دیگر کوروما لحن انتقادی و کنایه آمیز اوست. این نگاه بی‌شک خاسته از برخورد و آشنایی او با فرهنگ غربی است. انتقاد در جوامع ابتدایی و سنتی به مثابه عیب جویی و خرده‌گیری است و مترادف با توهین و بی‌احترامی تلقی می‌شود. نقد به معنای غربی آن نه تنها باعث ظهور نفاق و اختلاف و تشنج نشده، بلکه به تهذیب و استعلای نوع بشر نیز کمک می‌کند<sup>۱</sup>.

واقعیت این است که حربه نقد اگر به زهر طنز و ریشخند آبدیده شده باشد، بسیار برنده‌تر و کاری‌تر از نقل گفته‌های حکیمانه و بی‌عمل است. زبان کوروما نیز عاری از نیش و زهر نیست. طنز سرزنده و کنایه آمیز کوروما در سراسر آثار او به چشم می‌خورد. او اگر چه بیشتر از واقعیت‌های تلخ تاریخ آفریقا سخن می‌گوید اما فراموش نمی‌کند که هر از گاه خواننده متفکر و غرق در اندیشه خود را بخنداند. هدف این انتقادهای غالباً خرافات و اعتقادات بی‌اساس، استبداد حکومت‌های مطلقه و ظلم و بی‌عدالتی است.

" خدا مجبور نیست در همه کارهایش روی زمین عادل باشد " عبارتی است که پیوسته

۱- فتحعلی آخوندزاده از نخستین نویسندگان ایرانی است که به اهمیت نقد در جوامع غربی پی برده است. وی در نامه‌ای به مترجم آثار نمایشی خود به زبان فارسی به این مسأله اشاره می‌کند که نقد اثری به مراتب عمیقتر و پایدارتر از وعظ و پند و نصیحت دارد، و گرنه با داشتن واعظان و خطیبان سخنور و زبردستی مانند سعدی ملت ما می‌بایست در هر زمینه پیشرفت می‌کرد

و مرتب بر زبان ابراهیم نوجوان جاری می‌شود. این جمله تلویحاً اشاره به مسئله جبر و تقدیر دارد که بسیاری از آفریقاییان به آن معتقدند. ابراهیم تمام بی‌عدالتی‌ها و مشکلات را به مشیت الهی نسبت می‌دهد. پس از خواندن سرگذشت مادر ابراهیم درمی‌یابیم که او و ابراهیم تحت تعلیم مادر بزرگ چنین اعتقادی را در خود پرورانده‌اند. کوروما در "مونه تحقیر و تحریک" نیز انفعال و تسلیم بی‌قید و بند هم رنگان خود را در برابر مهاجمان به زیر سؤال می‌برد. آنجا نیز مردمان شهر خیالی سَبا یعنی اهالی قبیله کیتا، سرودی اینچنین می‌خوانند:

" خداوند جهان را آفرید اما برابری را نه  
هر که را هر آنچه می‌خواست مقدر ساخت  
به کیتاها نیرو و توان داد..."<sup>۱</sup>

رضا در برابر ظلم و انقیاد در برابر بیگانه سرنوشت ملتی را تغییر می‌دهد. سخنان مترجم ارتش سفیدپوستان به پادشاه مُلک سبا به خوبی بیانگر مفهوم واژه مونه یعنی تحقیر و تحریک است: " من حرفهای یک سفیدپوست و یک توباب ( سفید پوست) را ترجمه می‌کنم. وقتی یک توباب سخن می‌گوید ما سیاه پوستان ساکت می‌مانیم، کلاه و کفشهایمان را درمی‌آوریم ... کسانی که بر ما چیره شده‌اند از ما نجیب‌تر و مقدس‌ترند. باید به قهرمانهای مقدس خانه‌هایی بهتر از خانه‌های خود بدهیم، خانه‌هایی بزرگتر و بلندتر."<sup>۲</sup>

چند صفحه بعد تلخی این واقعیت تاریخی با کنایه‌های طنزآمیز کوروما از دهان زدوده می‌شود. اینک همان مترجم خائن قانون سفیدپوستان را برای سیاه برزنگی‌ها شرح می‌دهد: "از آنجا که نیاز به پیشرفت هرگز در کله سیاه برزنگی‌ها وجود نداشته است، باید آنها را وادار کرد که به دنبال تمدن بروند و بیشتر در جستجوی پول باشند تا شکار و دوستی و برادری و زن و فرزند و مغفرت الهی. و برای این کار سفیدپوستها دو قانون دارند... قانون

1- Kourouma A., *Moné, outrages et défis*, Seuil, 1990, p.49

2- Ibid, pp.54-55

نخست، قانون مالیات نام دارد... قانون دوم سفیدپوستان رفاه طلبی است..."<sup>۱</sup> اما در کتاب *در انتظار رأی حیوانات وحشی* که فجایع دوران پس از استقلال را دنبال می‌کند، کوروما با بازگشت به زمان استعمار و مبارزات پدر کویوگا نحوه آشنایی ملتی عریان و آدمخوار را با تمدنی به ظاهر انسانی به تمسخر گرفته و علاوه بر آن، تأثیر و اهمیت نظرقربانی، طلسم و تعویذ را در زندگی روزمره آفریقاییان ملامت و سرزنش می‌کند.

اما *خدا* مجبور نیست که از زبان یک نوجوان بی‌ادب و کم سواد روایت می‌شود، مملو از شوخی‌ها و بازیگوشی‌های کوروما است. شیوه‌ای که کوروما در این رمان به کار برده است در نوع خود بی‌نظیر است. راوی داستان همواره برای اطمینان از درستی گفته‌های خود از فرهنگ‌های بیگانه استفاده می‌کند. او همچنین برای تفهیم خواننده غربی خود که از اصطلاحات آفریقایی بی‌اطلاع است، پیوسته تعاریفی را از فرهنگ اصطلاحات بومی نقل می‌کند. کوروما به عنوان یک شهروند فرانسوی ابایی از تاختن به نژادپرستی و خودبرتربینی قیمها و ولینعمتهای خود ندارد:

"من یه الف بچه سیاهپوستم. نه واسه اینکه سیاه و نیم وجبیم، نه! بلکه چون خوب فرانسوی حرف نمی‌زنم یه الف بچه سیاهپوستم. اینجوریه دیگه. حتی اگه طرف آدم بزرگ هم باشه، اگه پیر هم باشه، عرب باشه، چینی، سفید، روسی یا حتی آمریکایی باشه ولی خوب فرانسوی حرف نزنه، می‌گن که بچه سیاهپوستی حرف می‌زنه، یارو هنوز هم یه الف بچه سیاهپوسته. قانون روزمره فرانسوی اینو می‌خواد."<sup>۲</sup>

او در جای دیگر با تمسخر می‌گوید که یک سیاهپوست کثیف لیاقت سخن گفتن به زبان پاک مولیر را ندارد. درست است که کوروما مدیون این زبان تحمیلی و استعماری است، اما نباید از یاد برد که زبان فرانسه نیز وامدار و مرهون آثار کوروما و دیگر نویسندگان آفریقایی می‌باشد؛ نویسندگانی که بر غنا و تلون آن افزوده‌اند. کالبد زبان کوروما فرانسوی است حال آنکه روح و جوهر آن ریشه در سنت شفاهی و دیرین بومیان آفریقایی دارد. سبک نویسندگی کوروما کاملاً منحصر به فرد است. خود او می‌گوید که پیش از نوشتن

1- Ibid, pp.58-59

2- Kouroum A., *Allah n'est pas obligé*, Seuil, 2000, p.9

خدا/ مجبور نیست بخشهایی از سفر به انتهای شب سلین را می خوانده است. اما آنچه مسلم است این است که در نوشتن و سبک نویسندگی او تقلیدی وجود ندارد. موسیقی و ریتم کلام او تند، بانشاط و آفریقایی است. کوروما علاوه بر واژه‌ها و اصطلاحات متعدد بومی از قبیل "مونه، گناماکوده، بیلاکارو، بامبارا و دُنسِنبا..." ضرب المثلها، تشبیه‌ها و استعارات بسیاری را وارد زبان فرانسه کرده و بر زیبایی آن افزوده است. به عنوان مثال:

"اگر پشت فیل راه بروی، شب‌نم تو را خیس نمی‌کند"

"گوساله مادرش را حتی در تاریکی گم نمی‌کند"

"فیل می‌میرد اما عاجهایش باقی می‌ماند"

"پلنگ خال خالی است و دمش نیز"

"بانگو می‌گوید شب زنده داری کافی است، هیچ روز بلندی نیست که به شب نینجامد، خنیاگر ساز خود را برمی دارد و آهنگ پایان شب را می‌نوازد، تیه کورای خواننده با او همسرای می‌کند، ناگهان گویی که نیش زنبور خورده باشد فریاد می‌زند، ناسزا می‌گوید به رقص نخچیر و حرکات شهوانی یکی پس از دیگری برمی‌خیزد. بانگوی خنیاگر آخرین مثلها و کلمات قصار مربوط به سنت و احترام به سنت را نقل می‌کند: اگر نمی‌توانی به بالای درختی بروی که پدر تو رفته است لااقل دستت را به تنه آن بزن"<sup>۱</sup>

دنیای کوروما آکنده است از فرهنگ خاص آفریقایی، جهانی که در آن حیوانات، جادوگران، شکار، جنگ قبیله ای، فقر و مرگ حکمرانی می‌کنند.

تنها یک نگاه به عناوین رمانهای کوروما کافی است تا به کنه اندیشه و عمق دلمشغولیت‌های او پی ببریم:

زیر آفتاب/ استقلال عنوان نخستین رمان او اشاره‌ای است طنزآمیز به عصر تاریکی پس از استقلال.

مونه، تحقیر و تحریک مونه واژه‌های آفریقایی است که زبان فرانسه از بیان آن ناتوان

1- Kourouma A., *En attendant le vote des bêtes sauvages*, Seuil, 1998, pp.21, 50, 65



است و نویسنده به دو معنای آن " تحقیر و تحریک " بسنده می‌کند تا احساسی را وصف کند که ورود استعمار به آفریقا در بومیان ایجاد کرده است.

در انتظار رأی حیوانات وحشی انتخابات و دموکراسی را در کشوری به سخره می‌گیرد که رئیس جمهور آن با کودتا قدرت را به دست گرفته و به مدت سی سال با رأی مردم ( یا وحوش) حکومت می‌کند.

خدا/ مجبور نیست مسئله جبر و دیگر اعتقادات جادویی و بی‌اساس را به باد انتقاد می‌گیرد.

وقتی نمی‌خواهیم می‌گوییم نه اشاره‌ای است به گفته تاریخی شخصیتی به نام سوماره، یکی از مخالفان حضور بیگانگان در آفریقا.

### نتیجه‌گیری

نگاه کوروما به آفریقا به عنوان موطن اول و به غرب به عنوان میهن دوم او نگاهی است آمیخته و غریب. تجزیه تفکر عینی و انتزاعی، منطقی و احساسات، استدلال و خرافات در او ساده و آسان نیست. او شیفته آفریقاست و عاشق پیشرفت. اشکها و لبخندهایش رنگ و بوی مردمان جنوب را دارد و نگاههای موشکاف و نافذش برق تمدن غرب را.

فهرست منابع

Kourouma A., *Moné, outrages et défis*, Seuil, 1990

Kourouma A., *En attendant le vote des bêtes sauvages*, Seuil, 1998

Kourouma A., *Allah n'est pas obligé*, Seuil, 2000

[http://fr.wikipedia.org/wiki/En\\_attendant\\_le\\_vote\\_des\\_b%C3%AAtes\\_sauvages](http://fr.wikipedia.org/wiki/En_attendant_le_vote_des_b%C3%AAtes_sauvages)

[http://fr.wikipedia.org/wiki/Ahmadou\\_Kourouma](http://fr.wikipedia.org/wiki/Ahmadou_Kourouma)

[http://fr.wikipedia.org/wiki/Gnassingb%C3%A9\\_Eyad%C3%A9ma](http://fr.wikipedia.org/wiki/Gnassingb%C3%A9_Eyad%C3%A9ma)